



کلاف

ضمیمه نوجوان

شماره ۱۳ | ۱۳۹۹ خرداد

نوجوان  
بازار

## خیابان های منتهی به آزادی (انواع آزادی)



### آزادی اندیشه:

نمی دانم چه اصراری است موهبت های خدا را  
آک بند تحویل خودش بدهیم. آزادی اندیشه و  
فکر، یک نعمت خدادادی است که انسان به  
کمک آن می تواند حقایق را بفهمد و خودش  
راتسلیم تقلید کورکورانه از دیگران یا تعصب های  
بی جا نکند. ابزار رسیدن به اندیشه آزاد که البته  
خط قرمزهای فوق را خدشه دار نکند، مطالعه است.

### آزادی بیان:

انسان ها علاوه بر این که باید بتوانند آزادانه فکر کنند،  
باید بتوانند آزادانه افکار خودشان را با یک دیگر در میان  
بگذارند تا در این میان حرف صحیح تر کشف شود.  
البته برخی مدعیان آزادی بیان اجازه می دهند همه  
حرفشان را بزنند بعد دهان آنها را با کاه پرمی کنند!  
ابزار رسیدن به بیان آزاد روحیه مطالبه گری است. به شرط آنکه اول  
بقه خودت را بگیری.

### آزادی های سیاسی-اجتماعی:

یعنی اگر این سلسله پادشاهان قطع نمی شد، کم کم  
همه جامعه جزو دربارها می شدند. منتها یا از خدم و  
حشم آن یا ته تهنش ملیچک و دلچک دربار.  
معمولاً هم در این ادبیات کسی نمی تواند جایگاه واقعی خودش را در  
جامعه پیدا کند. چون جای واقعی فقط برای یک عده خاص است. جدیداً که پای  
قلدرها به فضای بین المللی هم کشیده شده و می خواهند بر مردم کل جهان  
حکومت کنند. ابزار درست آزادی سیاسی و اجتماعی هم روحیه ظلم ستیزی  
و اتحاد است.

### آزادی معنوی:

انسان ها کشش های غریزی مختلفی در وجود خودشان دارند که  
هر کدام از آنها هم نعمت خداوند است و کارکردی  
در این دنیا دارد اما در عین حال باید مواظب  
باشیم که اسیر این کشش ها نشده و با مدیریت  
این احساسات، آن را در جای درست استفاده کنیم.  
بهترین راه را هم خداپیش رویمان قرار داده است:  
مراقبت و تقوا.

### آزادی عملی:

شاید ما نوجوان ها بیشترین جایی که به آزادی فکر می کنند در خانواده باشد  
یعنی جایی که خانواده قواعدی را برای زندگی یا زیست تعریف می کند اما  
اغلب مان با این قواعد یا رفتارها مخالف هستیم. اما هر چیزی راهی دارد.  
ابزار کسب آزادی عملی در خانواده جلب اعتماد خانواده است تا با کاهش  
نگرانی های آنها اختیار بیشتری به ما داده شود چون خیلی از محدودیت های  
خانواده ها به دلیل همین نگرانی هاست. از طرفی می توانیم ضمن همدلی  
با خانواده، نگرانی های آنها را هم به رسمیت بشناسیم و برای رفع آنها اقدام  
کنیم. اگر این حرف به دل تان ننشست، دوباره چراغ قرمز «حرف آخر» را که باید  
بزنند را بخوانید.



# بها... من!

ذهن نوجوانان، یعنی «آزادی»

فر... (البته با حفظ پروتکل های فاصله گذاری هنوز برای یک نفر جابود). دیدم بد  
نویسم، فرصت را غنیمت بشمارم و خط های اول کلاف شماره بعد را شروع کنم.  
و تیترا در گوشه تایپ کردم و با خودم فکر کردم عجب موضوع مهمی است

## لید آدم

ن می خواست آدم باشد و همه کاری هم کرد. درست است گربه نره و  
هم تمام تلاششان را کردند پینوکیو را از راه به در بکنند و پینوکیو هم با  
موقع با خانم فرشته همه کارهای بدش را توجیه می کرد و قول دوباره  
مال این وسط پدر ژپتو که خالق پینوکیو بود می دانست که صلاح پینوکیو  
به آدم نیست. بلکه عروسک خوبی بودن است.

ماهی نبود آزادی را به پای خدا می نویسیم و در دلمان غمی زنیم که  
بد فلان باشد، نمی شد فلان کار حرام نبود و خدا از ما فلان چیز را  
؟؟؟

کلیشه ای بگویم: هیچ کدام مان جای آسمان و حتی نزدیک تر، جای خدا  
بدانیم چرا...

خدا خط تولید آدم زده است که اشتباه کند ها. و مهم تر اینکه او از پدر  
ن از خودمان هم بیشتر دوستان دارد.